

نقش شفقت به خود و فرزندپروری ادراک شده در تفکر خلاق نوجوانان

پریما نوروزی^۱

خانم سمیه رباط میلی^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شفقت به خود و فرزندپروری ادراک شده در تفکر خلاق نوجوانان انجام شده است.

روش: طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش در برگزیده کلیه دانش‌آموزان پسر پایه دوم دوره دوم متوسطه است که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در دبیرستان‌های منطقه دو شهر تهران بود. ۳۱۳ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه ادراک از سبک فرزندپروری والدین (گرولینگ و همکاران، ۱۹۹۷)، پرسشنامه شفقت به خود (نف، ۲۰۰۳) و پرسشنامه سنجش خلاقیت (عابدی، ۱۹۸۴) بود. سپس، داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS.V21 و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، ارتباط معناداری بین برخی مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و شفقت به خود با تفکر خلاق نوجوانان وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و شفقت به خود در مجموع ۱۷ درصد تغییرات تفکر خلاق نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش، سبک‌های فرزندپروری و شفقت به خود نقش مهمی در تفکر خلاق نوجوانان دارند. مضامین نظری و کاربردی نتایج ارائه شده در پژوهش حاضر مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: شفقت به خود، سبک‌های فرزندپروری، تفکر خلاق، نوجوانان.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد دانشگاه علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران parima_noroozi@yahoo.com

۲. استادیار واحد دانشگاه علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران somayemili@yahoo.com

پیشگفتار

خلاقیت یا آفرینندگی یکی از موضوع‌های بسیار جالب و بحث‌انگیز در حوزه‌های مختلف علمی به ویژه علوم تربیتی و روان‌شناسی است. امروزه تغییر و تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مشکلات جدید و به تبع آن انتظارات تازه‌ای برای مدارس و نظام‌های آموزش و پرورش جهانی در پی داشته است؛ در این میان داشتن تفکر خلاق با هدف جستجوگری برای دانش‌آموزان ضروری است (عنایتی و عابدی، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر، درک خلاقیت که تنها توسط اندکی افراد با استعداد قابل دستیابی بود به تعریف اساسی‌تری تغییر کرد که طبق آن هر کس می‌تواند در بعضی زمینه‌ها به شرط شرایط درست و حمایت کافی خلاق باشد. اما بنظر می‌رسد ضروری است سبک‌های فرزندپروری که بر خلاقیت تأثیر دارد و نیز سفتت به خود که اساساً تحمل‌پذیری افراد و به ویژه نوجوانان را مورد بررسی قرار می‌دهد توجه ویژه‌ای شود. چرا که نوجوانان نیازمند برقراری ارتباطات متعادل، و داشتن ذهنی آرام برای بروز خلاقیت هستند (جاک، بندک، داونست و نیوبایورا، ۲۰۱۳).

از همین رو باید گفت؛ خلاقیت بیش از پیش وابسته به نوع نگرش و شناخت فرد از محیط اطراف و جستجوی راه‌حل‌های نو است. به عبارت دیگر، خلاقیت یا آفرینندگی پدیده‌ای است ذهنی که از کاربرد فرآیندهای شناختی معمول حاصل می‌شود (گابورا، ۲۰۱۷).

از نظر گیلفورد^۳ (۱۹۵۹) خلاقیت یکی از جنبه‌های اصلی تفکر است و فعالیت‌های جهت دار ذهن برای حل مسأله همان خلاقیت هستند (استنبرگ^۴، ۲۰۱۲). این افراد تفکری واگرا^۵ دارند، در فکر و عمل با دیگران فرق دارند، از عادت دوری می‌کنند و روش‌های جدید را به کار می‌برند (کاپرس، ریبا، دلافونته رونگا، بارکر، ثونیاسن و رامیکرز^۶، ۲۰۱۶؛ عظیم‌پور،

-
1. Jauk, Benedek, Dunst & Neubauer
 2. Gabora
 3. Guildford
 4. Sternberg
 5. divergent thinking
 6. Kuypers, Riba, de la Fuente Revenga, Barker, Theunissen & Ramaekers

عیسوی و عظیم‌پور، ۱۳۹۶). تمدن بشری مرهون تفکر خلاق^۱ انسان بوده است و دوام آن بدون بهره‌گیری از خلاقیت^۲، که عالی‌ترین عملکرد ذهن آدمی قلمداد می‌شود، غیرممکن است. در وضعیت کنونی تفکر خلاق نه تنها یک ضرورت، بلکه شرطی برای بقا به حساب می‌آید. بنابراین لازم است نظام آموزشی به تربیت و پرورش افرادی تأکید کند که به حل خلاق مسائل پیش‌بینی‌ناپذیر قادر باشند (رادبخش، محمدی فر و کیان ارثی، ۱۳۹۲؛ ایرجی راد و لطفی خاتون آباد، ۱۳۹۸). پژوهش‌های روان‌شناختی حاکی از آن است که همه کودکانی که به دنیا می‌آیند دارای توانایی‌های بالقوه خدادادی هستند اما این توانایی‌ها به دلایل گوناگون وراثتی و محیطی در برخی بیشتر و در برخی کمتر است در نتیجه، شناسایی عوامل مؤثر بر تفکر خلاق و به‌طور کلی خلاقیت در نوجوانان به عنوان سرمایه‌های هر کشوری، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت (نریمانی، پوراسمعی و عندلیب کورایم، ۱۳۹۲؛ کرمی، اله کرمی، هاشمی، ۱۳۹۲؛ راهبر، عصاره، احمدی و صالح صدق‌پور، ۱۳۹۶).

اخیراً برخی از مطالعات موجود در ادبیات پژوهشی به نقش شفقت بر خود در رشد و پرورش تفکر خلاق تأکید کرده‌اند (مهری نژاد و رجبی مقدم، ۲۰۱۵). شفقت به خود^۳ به ارضای نیازهای اساسی خودمختاری، شایستگی و نیاز به برقراری ارتباط که براساس نظریه دسی و همکاران (۲۰۰۲) برای بهزیستی انسان ضروری‌اند، کمک می‌کند. شفقت به خود یک سازه جدید است که با سلامت روان‌شناختی افراد در سنین نوجوانی و بالاتر در ارتباط است. زمانی که فرد در زندگی با مشکلی خاص و سایر ناتوانی‌ها مواجه شده، تحمل آن سخت می‌شود، شفقت به خود شامل حال فرد می‌شود (ورن^۴ و همکاران، ۲۰۱۲).

نف^۵ (۲۰۰۳)، اخیراً ساختار شفقت به خود را به شکل قالب سلامتی خویشتن‌پذیری پیشنهاد کرده است. شفقت به خود، یک موضع با محبت و پذیرا نسبت به ابعاد نامطلوب

1. creative thinking
2. creativity
3. self-compassion
4. Wren
5. Neff

خود و زندگی خود است و سه مؤلفه اصلی را در بر دارد؛ شامل مهربان بودن با خود^۱ در مقابل قضاوت کردن خود^۲، احساسات مشترک انسانی^۳ در مقابل انزوا^۴، و ذهن آگاهی^۵ در مقابل همانندسازی افراطی^۶. شفقت به خود بر پذیرش خود یا پذیرش تجربه خود در چارچوب مهربانی با خویشتن و با هوشیاری (ذهن آگاهی) تأکید دارد (نف و همکاران، ۲۰۰۷). شفقت به خود علاوه بر آن که فرد را در مقابل حالات روانی منفی محافظت می‌کند، در تقویت حالات هیجانی مثبت نیز نقش دارد. به عنوان مثال، شفقت به خود، با احساساتی چون پیوند اجتماعی و رضایت از زندگی (که از مؤلفه‌های زندگی معنادارند) مرتبط است (نف، ۲۰۰۷). پاسخ حاکی از شفقت به خود به جای سرزنش کردن خود یا نشخوار کردن پیرامون عدم کفایت ادراک شده شامل تعمیم دادن مهربانی می‌شود. بنابراین، تأثیر تجربه‌های هیجانی منفی از قبیل افسردگی و اضطراب به حداقل می‌رسد بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به نقشی که شفقت به خود در تقلیل احساس عدم کفایت و همچنین، محافظت فرد از حالات روانی منفی دارد، در رشد تفکر خلاق و حل مسائل پیچیده نیز اثرگذار باشد. (هومن^۷، ۲۰۱۴: ۲۲).

از سویی دیگر، واکاوی ادبیات پژوهشی مؤید آن است از بین عوامل خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری والدین نقش بسزایی در رشد تفکر خلاق دارد. (ذبیح‌الهی، غلامعلی لواسانی، اژه‌ای، ۱۳۹۳). برای مثال، ماهوزی، کاتاهویر و بانورا^۸ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین فرزندپروری ادراک شده با تفکر خلاق در دانش‌آموزان دبیرستانی پرداختند. نتایج حاصل از یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین سبک فرزندپروری ادراک

-
1. self- kindness
 2. self- judgment
 3. common humanity
 4. isolation
 5. mindfulness
 6. over- identification
 7. Homan
 8. Muhwezi, Katahoire & Banura

شده و مؤلفه حمایت، مشارکت و مهرورزی مادران با میزان خلاقیت در آزمودنی‌ها رابطه معناداری وجود دارد (ماهوزی و همکاران، ۲۰۱۵). افزون بر این، دویت، چاکرانیان، باندرز-آلن و ریجیر^۱ (۲۰۱۸) در یک کارآزمایی بالینی تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین را بر رشد خلاقیت و توجه همدلانه والدین هندی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند این برنامه آموزشی تأثیر معناداری بر نگرش والدین برای صرف وقت جهت آموزش و توجه به فرزندان دارد و والدین گروه آزمایش اهمیت بیشتری برای رشد خلاقیت در کودکان قائل بودند (دی ویت و همکاران، ۲۰۱۸).

طنین این اندیشه مبین آن است در چارچوب روابط خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری والدین نقش غیرقابل انکار در بهبود تفکر خلاق نوجوانان دارد و شواهد علمی موجود نیز تأییدکننده این ادعای علمی هستند. تأثیر روش‌های پرورشی که والدین در دوران کودکی و نوجوانی اعمال می‌نمایند، بر تمام کارکردهای فرد تأثیر نافذ، انکار ناپذیر و متفاوتی دارند (ویک نلسون و ایسریل^۲، ۲۰۰۹: ۱۲). سبک‌های فرزند پروری، ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین هستند که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و فضای فرزندپروری با دوامی را پدید می‌آورند (ویک نلسون و ایسریل^۳، ۲۰۰۹: ۱۳). این سبک‌ها از مؤلفه‌های اساسی در رشد و تربیت فرزندان بوده و اغلب در ارتباط با مهم‌ترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی‌های شناختی و اجتماعی آن‌ها هستند و زمینه ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساسات و عادات افراد هستند (دسجردینس، زدنسکی و کاپلان^۴، ۲۰۰۸). در نتیجه، پیش‌فرض پژوهش حاضر این است که سبک‌های فرزندپروری والدین بر تفکر خلاق نوجوانان نیز به عنوان یکی از توانایی‌های شناختی اثرگذار است. از این رو، سؤال اصلی

1. De Wit, Chakranarayan, Bunders-Aelen & Regeer
 2. Wick-Nelson, R., & Israel
 3. Wick-Nelson & Israel
 4. Desjerdins, Zdenski & Coplan

پژوهش حاضر این است که آیا شفقت به خود و فرزندپروری ادراک شده می‌تواند تفکر خلاق در نوجوانان را پیش‌بینی کنند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی، از نظر زمانی گذشته‌نگر و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دربرگیرنده کلیه دانش‌آموزان پسر پایه دوم دوره دوم متوسطه است که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در دبیرستان‌های منطقه دو شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. آمار مربوط به این جامعه آماری با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش منطقه، ۲۰۰۰ نفر برآورد شد. برای محاسبه حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان^۱ استفاده شد و با توجه به حجم جامعه آماری (۲۰۰۰ نفر)، ۳۲۲ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شد. به منظور جلوگیری و کنارگذاشتن پاسخ-نامه‌های مخدوش و غیرقابل بررسی، ۱۰ درصد به حجم نمونه اضافه و در نهایت، حجم نمونه ۳۵۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت تصادفی خوشه‌ای - چندمرحله‌ای بود به این صورت که از مدارس واجد شرایط منطقه دو، چهار مدرسه به تصادف انتخاب شد و سپس از هر مدرسه سه کلاس (یک کلاس از هر رشته تحصیلی) به صورت تصادفی انتخاب شدند. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگانی که به دلیل عدم پاسخ صحیح و یا تکمیل ناقص قابل بررسی نبودند از تحلیل خارج شد و در نهایت ۳۱۳ پرسشنامه برای بررسی فرضیه‌ها تجزیه و تحلیل شد. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا با کسب مجوز لازم از آموزش و پرورش منطقه دو شهر تهران، با مراجعه به مدارس مربوطه، مجوز دسترسی به لیست کلاس‌ها و انجام پژوهش اخذ شد. نحوه همکاری با محقق، با توجه به مجوز کسب شده از سوی آموزش و پرورش، از سوی مدیریت محترم مدارس و در برخی

1. Krejcie & Morgan

موارد معاونین انجام می‌شد. از دفتر مدرسه، برنامه کلاسی دانش‌آموزان تهیه شد و در زمان تعیین شده از طرف مدرسه به کلاس‌ها مراجعه و از دانش‌آموزان درخواست شد در صورت تمایل پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند. کلیه دانش‌آموزان به صورت گروهی در کلاس‌های عادی مدرسه به کمک آموزش استاندارد چاپ شده روی پرسشنامه‌ها ارزیابی شدند. افزون بر این، از دانش‌آموزان خواسته شد که جملات هر پرسشنامه را به دقت بر پایه احساسات و افکار خویش پاسخ دهند. تکمیل پرسشنامه‌ها بین ۱۵ الی ۲۰ دقیقه زمان نیاز داشت. برای تکمیل پرسشنامه‌ها محدودیت زمانی اعمال نشد. جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش، از کلیه افراد مورد پژوهش برای شرکت در مطالعه، رضایت آگاهانه اخذ شد و به آزمودنی‌ها این اطمینان داده شد که نتایج به طور محرمانه نگهداری خواهند شد. سپس اهداف پژوهش برای دانش‌آموزان در حد مورد نیاز توضیح داده شد و در نهایت در بین کسانی که به طور داوطلبانه مایل به شرکت در پژوهش بودند، پرسشنامه‌ها توزیع شد. در ضمن، دانش‌آموزان این آزادی را داشتند که هر موقع تمایل داشتند از پژوهش خارج شوند. برای گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه‌هایی به شرح زیر در بین دانش‌آموزان توزیع شد.

پرسشنامه شفقت به خود: مقیاس شفقت به خود یک مقیاس خود گزارشی ۲۶ سئوالی است که توسط نف در سال ۲۰۰۳ ساخته شده است. این مقیاس ۶ زیر مقیاس مهربانی به خود، خود داوری، انسانیت عمومی، انزوا، ذهن آگاهی و همدردی بیش از حد را در برمی‌گیرد. آزمودنی‌ها به سئوال‌های این پرسشنامه در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از صفر تا ۴ پاسخ می‌دهند. پژوهش‌های مربوط به اعتباریابی این پرسشنامه نشان داده‌اند که همه این ۶ زیر مقیاس همبستگی درونی بالایی دارند و تحلیل‌های عاملی تأییدی نیز نشان داده‌اند که یک عامل مجزای شفقت به خود این همبستگی درونی را تبیین می‌کند. ضریب همسانی درونی این پرسشنامه، ۰/۹۲ و پایایی بازآزمایی آن نیز، ۰/۹۳ گزارش شده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳).

پرسشنامه ادراک از سبک فرزندپروری والدین: این مقیاس به وسیله گروولینگ و همکاران (۱۹۹۷) تدوین شده است و دارای ۴۲ سؤال (۲۱ سؤال در مورد مادر و ۲۱ سؤال در مورد پدر) است که شش زیر مقیاس شامل مشارکت مادر، حمایت مادر از خودپیروی، مهرورزی مادر، مشارکت پدر، حمایت پدر از خودپیروی و مهرورزی پدر را براساس مقیاس لیکت ۷ درجه‌ای از ۱=کاملاً نادرست تا ۷=کاملاً درست مورد سنجش قرار می‌دهد. قابلیت اعتماد این مقیاس در منبع اصلی با محاسبه آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش ذبیح الهی، غلامعلی لواسانی و اژه‌ای (۱۳۹۳) نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برای کل مقیاس و ضریب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۷ به ترتیب برای خرده مقیاس‌های مشارکت، حمایت از خودپیروی و مهرورزی به دست آمد.

پرسشنامه سنجش خلاقیت: این پرسشنامه که به آزمون خلاقیت عابدی^۱ مشهور است براساس نظریه تورنس (۱۹۹۲) درباره خلاقیت و در سال ۱۳۶۳ ساخته شده است. در این پرسشنامه پاسخ غلط وجود ندارد، پاسخ‌ها ارزش کمی ندارند و فقط دارای ارزش کیفی هستند و حداکثر زمان لازم برای اجرای آن ۱ ساعت است. این پرسشنامه چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفت و فرم ۶۰ سئوالی آن در دانشگاه کالیفرنیا به وسیله عابدی تدوین شد. این پرسشنامه ۶۰ سؤال ۳ گزینه‌ای دارد که از چهار زیر مقیاس سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری تشکیل شده است. گزینه‌ها نشان دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا هستند که خلاقیت پایین (نمره ۱)، خلاقیت متوسط (نمره ۲) و خلاقیت بالا با (نمره ۳) در نظر گرفته شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر زیر مقیاس، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار زیر مقیاس، نمره کلی و خلاقیت او را نشان می‌دهد. دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین ۶۰ و ۱۸۰ خواهد بود. سئوال‌ات ۱ تا ۲۲ به سیالی، ۲۳ تا ۳۳ به بسط، ۳۴ تا ۴۹ به ابتکار و ۵۰ تا ۶۰ به انعطاف پذیری مربوط است. این نمرات در چهار گروه جمع می‌شوند. هرچه فرد در این پرسشنامه نمره بالاتری بگیرد، دارای

1. Abedi Creativity Test (ACT)

خلاقیت بیشتری است. پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار زیر مقیاس دارای ضریب پایایی ۰/۸۵، برای سیالی، ۰/۸۲ برای ابتکار، ۰/۸۴ برای انعطاف پذیر و ۰/۸۰ برای بسط بوده است. ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش آموز اسپانیایی در دامنه‌ای بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۵ به دست آمد (ایمانی، ویسی، گُرد نوقایی، فرهادی و بهروز، ۱۳۹۳). همچنین، به پژوه و همکاران (۱۳۸۹ به نقل از کرمی و همکاران، ۱۳۹۲) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف مورد بررسی قرار داده و به ترتیب ضریب‌های ۰/۸۲ و ۰/۸۳ به دست آمد.



برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی جهت گزارش شاخص مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش و از آمار استنباطی (آزمون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام) برای بررسی و تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. لازم به یادآوری است داده‌های حاصل از تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش به وسیله برنامه آماری SPSS.v21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد. بر این اساس، ابتدا چولگی و کشیدگی محاسبه و سپس برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود. مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای شفقت به خود، فرزندپروری ادراک شده مادر، فرزندپروری ادراک شده پدر و تفکر خلاق در بازه ۱/۹۶ و ۱/۹۶- قرار دارد؛ یعنی از لحاظ چولگی

متغیرهای پژوهش نرمال بوده و توزیع آن‌ها متقارن است (جدول ۱). علاوه بر این، با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای شفتت به خود، فرزندپروری ادراک شده مادر، فرزندپروری ادراک شده پدر و تفکر خلاق در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که داده‌ها توزیعشان نرمال است (جدول ۱).

جدول ۱. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی		کشیدگی		کولموگروف اسمیرنوف	
	آماره Z	خطای استاندارد	آماره Z	خطای استاندارد	P	Z
شفتت به خود	-۰/۰۶۴	۰/۱۳۸	-۰/۶۱۹	۰/۲۷۵	۰/۲۵۳	۱/۰۱۶
فرزندپروری مادر	-۰/۱۶۸	۰/۱۳۸	۰/۶۸۱	۰/۲۷۵	۰/۱۴۵	۱/۱۴۶
فرزندپروری پدر	-۰/۲۱۶	۰/۱۳۸	-۰/۶۵۵	۰/۲۷۵	۰/۰۹۴	۱/۲۳۶
تفکر خلاق	۰/۰۶۷	۰/۱۳۸	-۰/۸۰۵	۰/۲۷۵	۰/۰۷۷	۱/۲۷۷

علاوه بر نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، یکی دیگر از پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون، خطی بودن رابطه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک است. تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که مقدار احتمال خطی بودن متغیرهای پیش‌بین، پایین از مقدار آلفای تعیین شده ($\alpha = 0/05$) است، بنابراین می‌توان ادعا کرد رابطه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک خطی است (جدول ۲).

جدول ۲. پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون

متغیرهای ملاک	خطی بودن رابطه پیش‌بین با ملاک		چندگانگی خطی متغیرهای پیش‌بین	
	F	معناداری	عامل تورم واریانس	رواداری یا تحمل
شفتت به خود	۷/۵۰۳	۰/۰۰۷	۱/۰۲۳	۰/۹۷۸
فرزندپروری مادر	۱۳/۴۴۴	۰/۰۰۱	۱/۰۲۲	۰/۹۸۳
فرزندپروری پدر	۷۸۴/۲۶	۰/۰۰۱	۱/۰۰۳	۰/۹۹۷

پیش فرض دیگر تحلیل رگرسیون عدم همبستگی زیاد بین متغیرهای پیش بین است (چندگانگی خطی) که به منظور بررسی آن از دو آماره روا داری یا تحمل^۱ و عامل تورم واریانس^۲ استفاده شد. نتایج نشان داد پدیده چندگانگی خطی بین متغیرهای شفقت به خود، فرزندپروری پدر و فرزندپروری مادر به عنوان متغیرهای پیش بین پژوهش حاضر وجود ندارد، زیرا چنانچه مقدار تحمل برای یک متغیر خاص ۰/۰۱ یا کمتر باشد و عامل تورم واریانس بزرگ تر از عدد ۱۰ باشد شرط عدم هم خطی چندگانه رعایت نشده است (جدول ۲). بنابراین با رعایت پیش فرضهای آزمونهای پارامتری ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام، استفاده از این آزمونها جهت بررسی فرضیههای پژوهش بلامانع است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی رابطه بین شفقت به خود با تفکر خلاق

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. مهربانی با خود	۱							
۲. خود داوری	-۰/۵۱۵**	۱						
۳. انسانیت عمومی	۰/۳۸۶**	-۰/۵۶۸**	۱					
۴. انزوا	-۰/۱۹۵**	۰/۵۲۳**	-۰/۴۲۶**	۱				
۵. ذهن آگاهی	۰/۵۱۳**	-۰/۶۲۱**	۰/۳۸۶**	-۰/۵۱۴**	۱			
۶. همانندسازی افراطی	-۰/۶۵۳**	۰/۷۴۵**	-۰/۴۸۶**	۰/۵۶۳**	-۰/۳۵۲**	۱		
۷. شفقت به خود	۰/۲۳۵**	-۰/۵۶۹**	۰/۳۵۶**	-۰/۶۵۴**	۰/۶۳۵**	-۰/۴۵۶**	۱	
۸. تفکر خلاق	۰/۲۰۱**	۰/۰۵۱	۰/۰۲۷	۰/۰۴۷	۰/۲۷۸**	-۰/۳۴۷**	۰/۱۳۶	۱

$P < .05$ * $P < .01$ **

نتایج ماتریس همبستگی رابطه بین شفقت به خود با تفکر خلاق (جدول ۳) نشان می دهد با اطمینان ۹۵ درصد بین نمره کلی شفقت به خود با تفکر خلاق دانش آموزان رابطه معناداری

1. Tolerance
2. VIF

وجود ندارد ($P > 0/01$). اما، زیرمقیاس‌های مهربانی با خود ($r = 0/201$ ؛ $P < 0/01$) و ذهن آگاهی ($r = 0/299$ ؛ $P < 0/01$) رابطه مثبت و زیرمقیاس همانندسازی افراطی ($r = -0/347$ ؛ $P < 0/01$) رابطه منفی و معناداری با تفکر خلاق دانش‌آموزان دارند. با این حال، بین زیرمقیاس‌های خودداوری، انسانیت عمومی و انزوا با تفکر خلاق دانش‌آموزان رابطه معناداری به لحاظ آماری مشاهده نشد ($P > 0/05$).

علاوه بر این، ماتریس همبستگی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با تفکر خلاق (جدول ۴) نشان می‌دهد با اطمینان ۹۵ درصد مؤلفه‌های مشارکت مادر ($r = 0/211$ ؛ $P < 0/01$)، مشارکت پدر ($r = 0/212$ ؛ $P < 0/01$)، حمایت از خودپیروی مادر ($r = 0/257$ ؛ $P < 0/01$)، حمایت از خودپیروی پدر ($r = 0/233$ ؛ $P < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری با تفکر خلاق دانش‌آموزان دارند. با این حال، بین زیرمقیاس‌های مهرورزی پدر و مهرورزی مادر با تفکر خلاق دانش‌آموزان رابطه معناداری به لحاظ آماری مشاهده نشد ($P > 0/05$).

جدول ۴. ماتریس همبستگی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با تفکر خلاق

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. مشارکت مادر	۱						
۲. حمایت از خودپیروی مادر	۰/۵۳۶**	۱					
۳. مهرورزی مادر	۰/۶۲۳**	۰/۵۶۷**	۱				
۴. مشارکت پدر	۰/۴۵۹**	۰/۳۶۵**	۰/۵۸۷**	۱			
۵. حمایت از خودپیروی پدر	۰/۴۴۶**	۰/۵۷۶**	۰/۵۱۲**	۰/۵۶۸**	۱		
۶. مهرورزی پدر	۰/۵۳۶**	۰/۴۶۶**	۰/۵۳۸**	۰/۶۳۵**	۰/۵۳۶**	۱	
۷. تفکر خلاق	۰/۲۱۱**	۰/۲۵۷**	۰/۰۷۷	۰/۲۱۲**	۰/۲۳۳**	-۰/۰۳۹	۱

$P < 0/05$ * $P < 0/01$ **

برای پیش‌بینی تفکر خلاق نوجوانان بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و شفقت به خود، از آزمون تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول ۵. رگرسیون گام به گام متغیرهای پژوهش در پیش‌بینی تفکر خلاق

گام	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	F	P
	(ثابت)	۲۰۰/۹۱	-				
۳	هماندسازی افراطی	-۶/۴۵۹	۰/۴۷۲	۰/۴۰۴	۰/۱۷۳	۲۰/۰۷	۰/۰۰۰
	مهربانی به خود	-۲/۹۰۹	۰/۲۵۳				
	مشارکت مادر	-۱/۰۴۸	۰/۲۵۶				

در پیش‌بینی تفکر خلاق بر اساس مؤلفه‌های شفقت به خود با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون گام به گام (جدول ۵) در گام سوم، آخرین متغیری که وارد تحلیل شد مشارکت بود. ضریب همبستگی محاسبه شده در این گام $R=0/404$ و ضریب تعیین $0/173$ به دست آمد. میزان F به دست آمده نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت حدود $0/17$ از تغییرات متغیر تفکر خلاق به وسیله سه متغیر هماندسازی افراطی، مهربانی با خود و مشارکت مادر تبیین می‌شود. با توجه به مقدار بتا (β)، هماندسازی افراطی اهمیت بیش‌تری نسبت به دو متغیر دیگر داراست و سهم بیش‌تری در تبیین تغییرات متغیر ملاک تفکر خلاق (در جهت عکس) دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش شفقت به خود و فرزندپروری ادراک شده در پیش‌بینی تفکر خلاق نوجوانان انجام شده است. نتایج نشان داد شفقت به خود با تفکر خلاق نوجوانان رابطه معناداری دارد. یافته‌های پژوهش حاضر، همسو با مطالعه مهری‌نژاد و رجیبی مقدم (۲۰۱۵) بود که در مطالعه خویش نشان دادند بین نمرات شفقت به خود با میزان خلاقیت در نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت شفقت به خود با عزت

نفس رابطه دارد و آن هم بر صفات دیگری همچون اراده، اعتماد به نفس، قدرت تصمیم‌گیری، خلاقیت، ابتکار و رشد فکری اثرگذار است. از این رو، می‌توان گفت برخوردار بودن از شفقت به خود با اثرگذاری بر سایر متغیرها می‌تواند بر میزان تفکر خلاق نوجوانان اثرگذار باشد که به دلیل خلاء پژوهشی موجود در این زمینه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش متغیرهای ذکر شده همچون عزت نفس به عنوان متغیر واسطه‌ای در رابطه بین شفقت به خود و تفکر خلاق مورد بررسی قرار گیرد.

در رابطه با تأثیر همانندسازی افراطی به عنوان یکی از مؤلفه‌های شفقت به خود بر تفکر خلاق می‌توان به نقش تفکر واگرا اشاره کرد. افرادی که همانندسازی افراطی می‌کنند معمولاً در همه زمینه‌ها راهبردی تقلیدی برای حل مسائل پیش‌می‌گیرند و کمتر از تفکر واگرا به عنوان دریچه ورود به دنیای خلاق استفاده می‌کنند. در حقیقت، داشتن تفکر خلاق مستلزم برخورداری از توانایی متفاوت اندیشیدن است؛ در حالی که در نوجوانان دارای گرایش بالا برای همانندسازی، در عمل کوتاه‌ترین و راحت‌ترین راه‌حل‌ها برای حل مسائل جست‌وجو می‌شود. از سویی دیگر، مهربانی با خود به عنوان یکی از مؤلفه‌های شفقت با خود نیز سهم عمده‌ای در تفکر خلاق دارد؛ زیرا تمایل به برتری جویی در این گروه از نوجوانان در مقایسه با هم‌دوره‌ها بیشتر است. تمایل به تولید ایده‌های نو، خلق آثار بدیع و همچنین، تولید محتوای تازه به منظور ارزش بخشیدن به خود بیشتر است. به همین دلیل، رابطه معنادار بین مهربانی با خود و تفکر خلاق در این پژوهش قابل توجیه است.

همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های فرزندپروری والدین نیز رابطه معناداری با تفکر خلاق نوجوانان دارد. این یافته با برخی از مطالعات انجام شده در ادبیات پژوهشی همسو و همخوان بود. در همین راستا، نتایج مطالعه فراهینی، افروز و رسول زاده طباطبایی (۱۳۹۲) که به بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری والدین با خلاقیت نوجوانان پرداخته بود، نتایج پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهد. علاوه بر این، محمدی و محمدی (۱۳۹۵) نیز در مطالعه خویش دریافتند بین قاطعیت والدین با میزان خلاقیت

کودکان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، این نتیجه به طور غیرمستقیم همسو با نتایج پژوهش حاضر است که مبین آن بود هرچه پدر و مادر مشارکت بیشتری داشته باشند و از خودپیروی نوجوانان حمایت کنند، میزان تفکر خلاق نیز افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج مطالعه مهری نژاد و راجبی مقدم (۲۰۱۵) با نتایج پژوهش حاضر همسو و همخوان بود.

در ادبیات پژوهشی خارج از کشور نیز نتیجه پژوهش ماهوزی، کاتاهویر و بانورا (۲۰۱۵) که تا حدودی همسو با نتایج پژوهش حاضر بود نشان داد مؤلفه‌های حمایت از خودپیروی و مشارکت مادران با میزان خلاقیت دانش‌آموزان رابطه معناداری دارند. در مقایسه با نتایج این مطالعه، در پژوهش حاضر نقش فرزندپروری پدر نیز مورد تأیید قرار گرفت و از سوی دیگر، مهرورزی مادر نیز رابطه معناداری با خلاقیت نوجوانان داشت. تفاوت‌های مشاهده شده بین پژوهش حاضر و نتایج مطالعه ماهوزی، کاتاهویر و بانورا (۲۰۱۵) می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد که با انجام مطالعات میان فرهنگی می‌توان به نتایج قابل اعتمادتری دست یافت.

در تبیین این یافته می‌توان گفت هر چه والدین حمایت بیشتری از خودپیروی نوجوانان داشته باشند، میزان تفکر خلاق افزایش خواهد یافت. اگرچه استبداد والدین باعث منظم و مرتب بودن کودکان گشته اما به خاطر اینکه فرزند آزادی عمل و بیان ندارد تا ایده‌ها و افکار خود را عملی سازد باعث افت میزان خلاقیت در نوجوانان می‌گردد و همانند یک ربات مجبور به انجام عمل است که به او یاد داده شده است و هرگز دست به نوآوری و آزمایش برای اثبات افکار خود نمی‌زند حتی اگر کودک ذاتاً خلاق و مبتکر باشد؛ اما به علت آنکه بستری برای پرورش خلاقیت او وجود نداشتند و مهمتر از این، این است که شخصیتی همانند پدر و مادر وجود نداشتند تا او را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند، خلاقیت در این افراد رو به زوال گذاشته و تبدیل به اشخاص بدون ایده و افکار نو و خلاق

می‌شوند (محمدی و محمدی، ۱۳۹۵). بنابراین، والدینی که از خودپیروی فرزندانشان حمایت می‌کنند، نقش مهمی در رشد و پرورش خلاقیت فرزندانشان خواهند داشت. علاوه بر این، بر اساس یافته‌های این مطالعه هر چه والدین مشارکت و درگیری بیشتری در تربیت فرزندان داشته باشند، میزان خلاقیت نوجوانان بیشتر خواهد بود. به منظور تبیین این نتیجه می‌توان اظهار داشت والدین دارای مشارکت بالا به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون تشویق حس مسئولیت‌پذیری، اهمیت دادن به نیازهای کودک، ارتباط دو طرفه و گرم، توجه همراه با احترام به کودک، خود نظم‌دهی، استقلال، احترام به علائق، عقاید و انتخاب‌های کودک، در جهت رشد اعتماد به نفس که با خصوصیات افراد خلاق همسویی دارد، از زمینه‌های مناسب برای ظهور رشد خلاقیت است (واحدی، لطفی نیا و یوسفی شهیر، ۱۳۸۸). با توجه به آنچه گفته شد، شایسته است که والدین تا جایی که امکان دارد کودکان خود را مستقل بار آورده و در ایجاد اعتماد به نفس آنان را یاری کنند و دستاوردهای آنها را با روی خوش پذیرا بوده و به هنگام شکست به جای سرزنش، راهنما و راهگشای مشکلات کودکان باشند تا آنها بتوانند احساس ارزشمندی در انجام کارها داشته و راه‌حل‌های غیر معمول، جدید و دوراز ذهن را نیز بیازمایند؛ زیرا که چنین کارهایی می‌تواند پایه اصلی خلاقیت آنها باشد.

مدل رگرسیونی نیز نشان داد از بین کلیه‌های متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی در پژوهش حاضر، همانندسازی افراطی، مهربانی با خود و مشارکت مادر نقش مهم‌تری نسبت به سایر متغیرها در پیش‌بینی تفکر خلاق نوجوانان دارد. قرار گرفتن همانندسازی افراطی در گام اول نشان می‌دهد الگوسازی و تقلید صرف اثر منفی بر تفکر خلاق نوجوانان دارد و در برنامه‌های آموزشی باید به استقلال فکری نوجوانان پرداخته شود. در رابطه با محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی بوده و نیاز است که در زمینه تفکر خلاق (ماهیت شناختی) با توجه به تحول این سازه در طول زمان، مطالعات طولی و کوهورت صورت گیرد تا با اطمینان بیشتری بتوان در این زمینه اظهار نظر کرد. با توجه به

نتایج پژوهش مبنی بر ارتباط زیرمقیاس های شفقت به خود با تفکر خلاق نوجوانان، پیشنهاد می شود مسئولین و متولیان امر در گام اول با انجام غربالگری در سطح مدارس، دانش آموزانی که میزان شفقت به خود آنها پایین است را شناسایی و در گام بعد با انجام مداخلات رفتاری، میزان تفکر خلاق این گروه از نوجوانان را به طور غیر مستقیم ارتقاء دهند. از آنجا که یافته های پژوهش نشان داد سبک های فرزندپروری والدین در تفکر خلاق نوجوانان تأثیر دارد، پیشنهاد می شود با ایجاد کارگاه های آموزشی، مهارت های فرزندپروری والدین تقویت شود. از آنجا که مهارت های فرزندپروری قابلیت آموزش دارند با اجرای برنامه های آموزشی می توان بعد از مدتی تغییرات قابل توجهی در کارکردهای شناختی و شخصیتی نوجوانان به خصوص تفکر خلاق نوجوانان مشاهده کرد.

محدودیت هایی که پژوهش حاضر با آن روبرو بود تمرکز بر یک مدرسه خاص، انجام تحقیق در یک شهر و استفاده از ابزار پرسشنامه بود. پیشنهاد می شود سایر پژوهشگران تحقیق حاضر را در چندین مدرسه انجام داده و نیز با مقایسه بین دانش آموزان دختر و پسر در چندین شهرستان به غنای متغیرهای تحقیق و یافته ها اضافه نمایند.

سپاسگزاری: مقاله حاضر، حاصل کار پژوهشی و پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است. نویسندگان بر خود لازم می دانند از کلیه افرادی که در اجرای این پژوهش یاری رسانده اند، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع و مأخذ

- ایرجی راد، ارسلان، لطفی خاتون آباد، فاطمه. (۱۳۹۸). نقش توانمندسازی در رابطه بین رفتار نوآورانه و خلاقیت کارکنان. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۹(۱)، ۱-۲۲.
- ایمانی، صدف؛ ویسی کهره، سعید؛ کردنوقایی، رسول؛ ویسی پور، مسلم؛ طهماسیان، هادی؛ ربیعی مصباح، عباس. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش حل مساله بر کاهش اضطراب ریاضی دانش آموزان با

سبک شناختی وابسته به زمینه در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱. مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۲ (۱۹): ۴۷-۵۴.

ذبیح الهی، کاظم؛ مسعود غلامعلی لواسانی، مسعود؛ اژه‌ای، جواد. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با خودناتوان سازی. مجله روانشناسی، ۱۶ (۴): ۳۳۹-۳۵۴.

رادبخش، ناهید؛ محمدی فر، محمد علی کیان ارثی، فرحناز. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه گویی بر افزایش خلاقیت کودکان. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴ (۲): ۱۹۵-۱۷۷.

راهبر، علی، عصاره، علیرضا، احمدی، غلامعلی، صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش روش تدریس بارش مغزی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه هفتم در درس کار و فناوری مدارس متوسطه اول ناحیه سه شهرستان کرج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵.

ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۷ (۳): ۲۵۱-۲۷۶.

رستمی، مهدی؛ عبدی، منصور؛ حیدری، حسن. (۱۳۹۳). رابطه انواع بدرفتاری با شفقت به خود و سلامت روانی در افراد متأهل. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۱۶ (۱): ۶۱-۷۴.

عظیم پور، رضا، عیسوی، محسن، عظیم پور، احسان. (۱۳۹۶). اثربخشی راهبرد یاددهی- یادگیری نقشه مفهومی در تدریس علوم بر خلاقیت دانش آموزان پایه ششم ابتدایی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۶ (۴): ۱-۲۶.

عنایتی، الهه؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۵). فراتحلیل اثربخشی مداخلات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان. مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۶ (۱): ۱۸-۱.

کریمی، بختیار، اله کریمی، آزاد؛ هاشمی، نظام. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی بر خلاقیت، انگیزه پیشرفت و خودپنداره تحصیلی. مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲ (۴): ۱۳۹-۱۲۱.

محمدی، علی؛ محمدی، ی ونس. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با خلاقیت دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر کنگان. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۱(۱)، ۳۱-۴۲.

نریمانی، محمد؛ پوراسمعی، اصغر؛ عندلیب کورایم، مرتضی. (۱۳۹۲). مقایسه سبک‌های فرزند پروری و اختلالات خوردن در دانش‌آموزان تیز هوش و عادی. *مجله روان شناسی مدرسه*. ۲(۲): ۱۳۸-۱۵۴.

واحدی، شهرام؛ لطفی نیا، حسین؛ یوسفی شهیر، نعیمه. (۱۳۸۸). رابطه شیوه‌های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان در مراکز پیش دبستانی شهر تبریز. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۱(۳): ۱۰۷-۱۲۱.

De Wit, E. E., Chakranarayan, C., Bunders-Aelen, J. F., & Regeer, B. J. (2018). Learning about Parenting Together: A Programme to Support Parents with Inter-generational Concerns in Pune, India. *Contemporary family therapy*, 40(1), 68-83.

Gabora, L, Tseny, S. (2017). The social benefits of balancing creativity and imitation: Evidence from an agent-based model. *Psychology of aesthetics*, 11(4):403-419.

Homan, K, J. (2014). A mediation model linking attachment to God, self-compassion and mental health. *Mental health, Religion & culture*, 17(10). 22-30.

Jauk, E., Benedek, M., Dunst, B., Neubauer, A.C. (2013). The relationship between intelligence and creativity: New support for the threshold hypothesis by means of empirical breakpoint detection. *Intelligence*. 41(4):212-221.

Kuypers KP, Riba J, de la Fuente Revenga M, Barker S, Theunissen EL, Ramaekers JG. (2016). Ayahuasca enhances creative divergent thinking while decreasing conventional convergent thinking. *Psychopharmacology (Berl)*. 233(18):3395-403.

Mehrinejad S & Rajabimoghdam S. (2015). Styles and Creativity and the Predictability of Creativity by Parenting Styles. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. 9(12):56-63.

- Muhwezi WW, Katahoire AR, Banura C. (2015). Perceptions and experiences of adolescents, parents and school administrators regarding adolescent-parent communication on sexual and reproductive health issues in urban and rural Uganda. *Reprod Health*. 30(12):110-24.
- Neff KD, Kirkpatrick KL & Rude SS. (2007). Self-compassion and adaptive psychological functioning. *J Res Pers*. 41:139-154.
- Neff KD. (2003). Development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self-Identity*. 2:223-50.
- Sternberg, R.J. (2012). The Assessment of Creativity: An Investment-Based Approach. *Creativity Research Journal*, 24, 3-12.
- Wick-Nelson, R., & Israel, A. C. (2009). Abnormal child and adolescent psychology, *NewJersy: Pearson Education*.
- Wren A, Tamara J, Wright M, Goetz M, Leary M & Farad AM. (2012). Self-Compassion in Patients with Persistent Musculoskeletal Pain: Relationship of Self-Compassion to Adjustment to Persistent Pain. *Journal of Pain and Symptom Management*. 43(4):759-770.

